Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir

Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477

ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

سال انتشار	۱٤۰۵	شماره انتشار		صفحات	۱_۱۹

نگرشی بر آثار تحریم‌های اقتصادی بر اذن موجود در قرارداد حق‌العمل‌کاری و استحقاق اجرت

خانم فاطمه حسین پور پهمدانی و آقای دکتر عاطفه لرکجوری

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

استادیار گروه حقوق، واحد لاهیجان، دانشگاه آزاد اسلامی، لاهیجان، ایران.

چکیده

تحریم‌های اقتصادی با ایجاد محدودیت در مبادلات تجاری، انتقال وجوه و دسترسی به بازارهای بین‌المللی، اجرای قراردادهای حق‌العمل‌کاری و اذن اعطایی از سوی آمر را با چالش مواجه می‌کنند و می‌توانند بر حدود اختیار حق‌العمل‌کار، استحقاق وی نسبت به اجرت و مسئولیت طرفین اثرگذار باشند. این پژوهش با هدف تحلیل آثار حقوقی تحریم‌های اقتصادی بر اذن موجود در قرارداد حق‌العمل‌کاری، تعیین وضعیت استحقاق حق‌العمل‌کار نسبت به اجرت و ارائه راهکارهای قراردادی مدیریت آثار تحریم انجام شده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی ـ تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، قوانین و مقررات ایران، منابع معتبر بین‌المللی، اصول قراردادهای تجاری و رویه قضایی انجام گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تحریم اقتصادی به‌خودی‌خود موجب زوال اذن یا سقوط تعهدات قراردادی نمی‌شود، بلکه آثار آن به شدت و نوع محدودیت، مفاد قرارداد و امکان حقوقی و عملی اجرای مأموریت بستگی دارد. در صورت ممنوعیت یا غیرممکن شدن اجرای مأموریت، امکان استناد به تعذر اجرا وجود دارد؛ اما صرف افزایش هزینه یا دشواری اقتصادی الزاماً موجب زوال اذن یا رفع مسئولیت نیست. همچنین، استحقاق اجرت با توجه به تحقق مأموریت، اقدامات انجام‌شده، حدود اذن و میزان تأثیر تحریم بر عدم تکمیل معامله تعیین می‌شود. پیش‌بینی شروط صریح تحریم، تفکیک تعذر از دشواری اجرا، تعیین دقیق شرایط استحقاق اجرت و پیش‌بینی شیوه‌های جایگزین اجرای تعهد، می‌تواند ریسک حقوقی طرفین را کاهش دهد.

واژگان کلیدی: تحریم اقتصادی، حق‌العمل‌کاری، اذن، اجرت، تعذر اجرا، فورس‌ماژور.

طبقه‌بندی JEL : فقه – حقوق – جزا و جرم شناسی – حقوق بین الملل – حقوق خصوصی

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir

Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477

ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

A Perspective on the Effects of Economic Sanctions on the Permission in the Labor Contract and Wage Entitlement

Abstract

By restricting trade, transferring funds, and accessing international markets, economic sanctions challenge the implementation of labor contracts and permits granted by the principal, and can affect the limits of the laborer's authority, his entitlement to wages, and the liability of the parties. This study aims to analyze the legal effects of economic sanctions on the permit in the labor contract, determine the status of the laborer's entitlement to wages, and provide contractual solutions for managing the effects of sanctions. The present study was conducted using a descriptive-analytical method and using library resources, Iranian laws and regulations, reliable international sources, principles of commercial contracts, and judicial practice. The findings of the study show that economic sanctions do not in themselves cause the expiration of the permit or the collapse of contractual obligations, but rather their effects depend on the severity and type of restriction, the terms of the contract, and the legal and practical possibility of performing the mission. In the event that the execution of the mission is prohibited or impossible, it is possible to invoke the impossibility of execution; However, the mere increase in cost or economic difficulty does not necessarily result in the loss of permission or the removal of responsibility. Also, the entitlement to remuneration is determined with regard to the fulfillment of the mission, the actions taken, the limits of the permission and the extent of the impact of the sanction on the failure to complete the transaction. Anticipating the explicit conditions of the sanction, distinguishing impossibility from difficulty of implementation, precisely determining the conditions of entitlement to remuneration and anticipating alternative methods of implementing the obligation can reduce the legal risk of the parties.

Keywords: Economic sanctions, labor fees, permission, wages, impossibility of execution, force majeure.

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir

Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477

ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

متن مقاله

تحولات فزاینده در روابط تجاری بین‌المللی، قراردادهای واسطه‌ای را به یکی از ابزارهای مهم انجام معاملات داخلی و فرامرزی تبدیل کرده است. در این میان، قرارداد حق‌العمل‌کاری به‌دلیل امکان انجام معامله به نام حق‌العمل‌کار و به حساب آمر، جایگاه ویژه‌ای در نظام حقوق تجارت دارد. استمرار این رابطه قراردادی، از یک سو به وجود اذن و حدود اختیارات اعطایی از سوی آمر وابسته است و از سوی دیگر، تحقق آثار مالی آن، از جمله استحقاق حق‌العمل‌کار نسبت به اجرت، با نحوه اجرای مأموریت ارتباط مستقیم دارد. ازاین‌رو، هر عاملی که امکان اجرای مأموریت یا حدود اختیار حق‌العمل‌کار را تحت تأثیر قرار دهد، می‌تواند تعادل حقوقی میان طرفین را دستخوش تغییر کند.تحریم‌های اقتصادی از مهم‌ترین عواملی هستند که در سال‌های اخیر بر روابط تجاری بین‌المللی و اجرای قراردادهای مرتبط با اشخاص و شرکت‌های ایرانی اثر گذاشته‌اند. محدودیت در نقل‌وانتقال وجوه، ممنوعیت معامله با اشخاص یا نهادهای مشخص، محدودیت‌های بانکی، دشواری دسترسی به خدمات حمل‌ونقل و بیمه و محدودیت‌های ناشی از تحریم‌های ثانویه، در مواردی اجرای مأموریت قراردادی را با موانع جدی مواجه می‌کنند. اهمیت حقوقی این وضعیت صرفاً به امکان یا عدم امکان اجرای تعهد محدود نمی‌شود؛ بلکه باید مشخص شود چنین محدودیت‌هایی چه اثری بر اذن اعطایی آمر، استمرار حدود اختیار حق‌العمل‌کار و حقوق مالی ناشی از اقدامات وی خواهد داشت.در حقوق ایران، حق‌العمل‌کاری در مواد ۳۵۷ به بعد قانون تجارت مورد شناسایی قرار گرفته و رابطه میان آمر و حق‌العمل‌کار واجد ویژگی‌هایی است که آن را از نمایندگی مستقیم متمایز می‌سازد. حق‌العمل‌کار اصولاً به نام خود و به حساب آمر معامله می‌کند و آثار اقتصادی معامله در نهایت متوجه آمر است. بنابراین، تحلیل اذن در این رابطه نمی‌تواند صرفاً بر مبنای قواعد عقد وکالت صورت گیرد و باید با توجه به ماهیت خاص حق‌العمل‌کاری، حدود مأموریت، دستورهای آمر و الزامات قانونی حاکم بر عملکرد حق‌العمل‌کار انجام شود.

مسئله زمانی پیچیده‌تر می‌شود که تحریم، اجرای مأموریت را به‌طور کامل غیرممکن نکند، بلکه تنها مسیر متعارف اجرای آن را مسدود یا هزینه و ریسک آن را افزایش دهد. در چنین وضعیتی، تمایز میان «تعذر اجرا» و «دشواری اجرا» اهمیت اساسی پیدا می‌کند. ممنوعیت قانونی انجام معامله یا انتقال وجه ممکن است امکان اجرای مأموریت را منتفی سازد، در حالی که افزایش هزینه‌های معامله، تغییر مسیر پرداخت یا دشواری دسترسی به طرف خارجی لزوماً به معنای عدم امکان اجرا نیست. این تمایز، در تعیین استمرار اذن، حدود تکلیف حق‌العمل‌کار و مسئولیت وی نقش تعیین‌کننده دارد.از سوی دیگر، استحقاق اجرت حق‌العمل‌کار در شرایط تحریم نیز نیازمند بررسی مستقل است. صرف انعقاد قرارداد حق‌العمل‌کاری الزاماً به معنای استحقاق قطعی اجرت در هر وضعیت نیست و باید رابطه میان میزان اقدامات انجام‌شده، تحقق معامله، مفاد قرارداد، دستورهای آمر و علت عدم تکمیل مأموریت بررسی شود. در مواردی که حق‌العمل‌کار بخش قابل‌توجهی از مأموریت را انجام داده، اما تحقق نهایی معامله به‌دلیل تحریم منتفی شده است، تعیین وضعیت اجرت بدون تحلیل دقیق مبنای استحقاق آن امکان‌پذیر نیست. همچنین، در صورتی که ادامه فعالیت حق‌العمل‌کار برخلاف محدودیت‌های قانونی ناشی از تحریم باشد، حدود مسئولیت وی و آثار اقدامات انجام‌شده باید بر اساس مفاد قرارداد و قواعد عمومی تعهدات تعیین شود.

در این چارچوب، قواعد عمومی قراردادها، از جمله اصل لزوم قراردادها، آثار قرارداد، مسئولیت ناشی از عدم اجرای تعهد و معاذیر قانونی، در کنار مقررات اختصاصی قانون تجارت درباره حق‌العمل‌کاری، مبنای تحلیل قرار می‌گیرند. همچنین، در قراردادهای بین‌المللی توجه به شروط تحریم، شروط فورس‌ماژور و قواعد مربوط به دشواری اجرای قرارداد، امکان تحلیل دقیق‌تر آثار محدودیت‌های ناشی از تحریم را فراهم می‌سازد. اهمیت این موضوع از آن جهت است که درج شرط صریح درباره آثار تحریم می‌تواند وضعیت اذن، نحوه ادامه مأموریت، تکلیف طرفین و شرایط استحقاق اجرت را تا حد قابل‌توجهی روشن کند.بر این اساس، تحلیل آثار تحریم‌های اقتصادی بر اذن موجود در قرارداد حق‌العمل‌کاری، صرفاً بررسی یک مانع

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir
Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477
ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

خارجی در اجرای قرارداد نیست؛ بلکه مستلزم بررسی پیوند میان اذن، حدود اختیار، امکان اجرای مأموریت، تحقق معامله و استحقاق اجرت است. تعیین معیارهای حقوقی تشخیص زوال یا محدودیت اذن، تفکیک تعذر از دشواری اجرا و تبیین وضعیت اجرت در فرض عدم تکمیل مأموریت، می‌تواند به ایجاد چارچوبی منسجم برای تنظیم و تفسیر قراردادهای حق‌العمل‌کاری در شرایط تحریمی منجر شود.بر همین اساس، پژوهش حاضر با تمرکز بر این پیوند حقوقی، آثار تحریم‌های اقتصادی بر اذن و استحقاق اجرت حق‌العمل‌کار را در پرتو حقوق ایران و اصول حاکم بر قراردادهای تجاری بین‌المللی بررسی می‌کند.

۱- مفهوم و مبانی حقوقی اذن در قرارداد حق‌العمل‌کاری

قرارداد حق‌العمل‌کاری در نظام حقوقی ایران، ذیل عقود معین و در فصل هفتم از باب دوم قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ پیش‌بینی شده و ماهیتاً یکی از نهادهای کلیدی حقوق تجارت به شمار می‌رود که نقش عمده‌ای در تسهیل مبادلات بازرگانی ایفا می‌کند. ماده ۳۵۷ قانون تجارت، حق‌العمل‌کار را شخصی معرفی می‌نماید که به حساب دیگری (آمر) مبادرت به خرید یا فروش کالا یا جنس نموده و در ازای این خدمت، حقالعمل دریافت می‌دارد. این تعریف حقوقی، به‌وضوح ماهیت تبعی و نیابتی عمل حق‌العمل‌کار را آشکار می‌سازد؛ بدین معنا که اعمال حقوقی و تصرفات تجاری وی در حوزه مأموریت محوله، به‌عنوان امین و نماینده آمر تلقی می‌گردد، نه به‌عنوان اصیل یا طرف مستقیم معامله. از این منظر، حق‌العمل‌کار هرچند با نام خود مبادرت به انعقاد قرارداد می‌نماید، اما آثار نهایی معامله، اعم از حقوق و تعهدات، مستقیماً متوجه آمر بوده و شخص حق‌العمل‌کار صرفاً حلقه اتصال و واسطه اجرایی میان آمر و بازار هدف محسوب می‌شود (اسکینی و بهنام‌فرید، ۱۳۹۰، ۱۸۰). بر همین اساس، هسته مرکزی و کانون ثقل رابطه حقوقی میان آمر و حق‌العمل‌کار را می‌توان در نهاد حقوقی «اذن» جست‌وجو کرد که تجلی عینی و عملی اراده آمر در تفویض اختیار به نماینده تجاری خویش برای انجام عملیات معیّن و مشخص بازرگانی به‌حساب او محسوب می‌گردد.

اذن در حقوق قراردادها، فراتر از یک اجازه ساده و تشریفاتی بوده و به‌مثابه ابزار اصلی اعمال سلطه ارادی آمر بر محدوده و قلمرو فعالیت حق‌العمل‌کار ایفای نقش می‌کند و تمامیت حقوقی اقدامات وی را بدان وابسته می‌سازد. در تحلیل دقیق این مفهوم، باید میان «اذن» و «وکالت» از منظر حقوقی تمایز قائل شد؛ چه آن‌که در عقد وکالت، وکیل در چارچوب عقد وکالت و اغلب با نظارت نزدیک و مستمر موکل عمل می‌کند و استقلال چندانی در تشخیص شیوه اجرای موضوع وکالت ندارد، حال آن‌که حق‌العمل‌کار با نام خود و به‌حساب آمر، معامله را منعقد نموده و از استقلال نسبی و قابل‌توجهی در تشخیص زمان، مکان، قیمت و سایر شرایط مبادله تجاری برخوردار است (شهیدی، ۱۳۸۳، ۱۴۲). این استقلال عملیاتی، که از اقتضائات ماهیت تجاری قرارداد حق‌العمل‌کاری نشئت می‌گیرد، به حق‌العمل‌کار امکان می‌دهد تا در مواجهه با شرایط متغیر و پویای بازارهای تجاری، با سرعت و چابکی بیشتری تصمیم‌گیری نموده و از فرصت‌های مقتضی به‌نحو مطلوب بهره‌برداری کند. با وجود این استقلال اجرایی، اصل وابستگی بنیادین همه اقدامات به اذن آمر، کماکان به‌عنوان یک قاعده تفکیک‌ناپذیر باقی می‌ماند؛ چه آن‌که غایت نهایی و مقصد اصلی معامله، تحقق اراده اقتصادی و منافع مادی آمر است و هرگونه اقدام یا تصرف خارج از حدود اذن اعطایی، فاقد آثار حقوقی نسبت به آمر شناخته می‌شود و در نتیجه، مسئولیت جبران زیان‌های ناشی از آن بر عهده خود حق‌العمل‌کار خواهد بود. مؤید این معنا، ماده ۳۵۸ قانون تجارت است که به‌صراحت مقرر داشته: «حق‌العمل‌کار باید مطابق دستورات آمر رفتار نماید و در صورت تخلف، مسئول هرگونه خسارت وارده خواهد بود»؛ همچنین ماده ۳۶۹ همین قانون، حق‌العمل‌کار را در صورت معامله با خود یا انجام معامله خارج از حدود اختیار، ضامن زیان آمر معرفی کرده است.مفهوم اذن در قرارداد حق‌العمل‌کاری، به‌مراتب فراتر از یک اجازه صرف و تک‌بعدی بوده و به‌مثابه گونه‌ای تفویض قدرت انشایی و تصمیم‌سازی در فضای رقابتی و پیچیده تجارت بین‌الملل مطرح می‌شود که بر بستر اعتماد متقابل و حسن‌نیت طرفین استوار می‌گردد. در ادبیات حقوقی این حوزه، تفکیکی اساسی میان «اذن عام» و «اذن خاص» ترسیم

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir
Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477
ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

شده است؛ اذن عام به حق‌العمل‌کار اختیار انجام مجموعه‌ای از معاملات مشابه یا مکرر را اعطا می‌کند، در حالی‌که اذن خاص معطوف به یک معامله یا عملیات تجاری معیّن و محدود است (راه‌پیک، ۱۳۸۷، ۱۰۳). در رویه جاری قراردادی میان فعالان اقتصادی، اذن غالباً به‌صورت عام و در قالب شرح مأموریت یا دستورالعمل‌های کلی و راهبردی به حق‌العمل‌کار اعطا می‌شود که به وی امکان انعطاف‌پذیری و واکنش سریع در مواجهه با شرایط متغیر و غیرقابل‌پیش‌بینی بازار را می‌دهد. با این همه، این انعطاف‌پذیری به‌هیچ‌وجه به‌معنای خروج از شمول اذن نبوده و هر گونه اقدام یا تصمیم حق‌العمل‌کار باید همواره در چارچوب معقول و متعارف همان مأموریت تجاری تعریف و ارزیابی گردد. ماده ۶۵۶ قانون مدنی با لحاظ قاعده وحدت ملاک میان وکالت و حق‌العمل‌کاری، در مقام بیان حدود اختیارات نماینده مقرر داشته است که وکیل در محدوده اختیارات خویش، دارای تمامی قدرت‌های لازم برای اجرای موضوع وکالت می‌باشد.این اصل در حقوق تجارت با پذیرش قاعده «ظهور و عرف تجاری» در تشخیص حدود اذن، توسعه و تعمیق قابل‌توجهی یافته است؛ به‌گونه‌ای که عرف و رویه مسلم تجاری، در موارد سکوت قرارداد یا اجمال دستورات آمر، نقش تعیین‌کننده‌ای در تفسیر حدود اذن و تشخیص دامنه اختیارات حق‌العمل‌کار ایفا می‌کند (حاجیانی، ۱۳۸۶، ۶۷). این رویکرد تفسیری، ضمن تأمین امنیت حقوقی معاملات، از سویی مانع از سوءاستفاده احتمالی آمر از ابهامات قراردادی شده و از سوی دیگر، حق‌العمل‌کار را از بابت تفسیر موسع و خلاف عرف حدود اختیار، برحذر می‌دارد.

مبنای الزام‌آور بودن اذن و لزوم پایبستی آمر به اقدامات مجاز و در چارچوب اختیار صورت‌گرفته توسط حق‌العمل‌کار، به‌صورت بنیادین در اصول کلی حاکم بر قراردادها، به‌ویژه اصل حاکمیت اراده و قاعده طلایی وفای به عقد، ریشه دوانده است. ماده ۲۱۹ قانون مدنی به‌روشنی مقرر داشته است که «عقودی که بر طبق قانون واقع شده باشد، بین متعاملین و قائم‌مقام آنها الزام‌آور است» و ماده ۲۲۰ نیز با تأکید بر لزوم تبعیت از مفاد و محتوای عقد، ضمانت اجرای این الزام را تثبیت می‌کند. از این رو، آمر پس از اعطای اذن و صدور دستورات لازم، نمی‌تواند به‌بهانه تغییر شرایط اقتصادی یا نوسانات پیش‌بینی‌نشده بازار، از پذیرش نتایج و آثار حقوقی اقدامات صورت‌گرفته توسط حق‌العمل‌کار سرباز زند یا نسبت به تعهدات خویش تعلل ورزد، مگر آن‌که خلاف آن به‌اثبات برسد؛ یعنی ثابت گردد که حق‌العمل‌کار از حدود اذن صریح یا ضمنی تجاوز کرده، یا در اجرای مأموریت محوله، مرتکب تقصیر حرفه‌ای، مسامحه ناروا یا سوءنیت شده است. در مقابل، از آن‌جا که حق‌العمل‌کار به‌عنوان امین و نماینده تجاری آمر محسوب می‌شود، نمی‌تواند نسبت به حدود و قلمرو اذن اعطایی نادانسته یا مسامحه‌ورزانه رفتار کند و بایسته است که با به‌کارگیری دقت، مهارت حرفه‌ای و رعایت استانداردهای متعارف تجاری، از مرزهای اختیار خود فراتر نرود. در صورت بروز هرگونه ابهام یا تردید در خصوص دامنه مأموریت یا چگونگی اجرای آن در شرایط خاص، تکلیف قانونی و حرفه‌ای حق‌العمل‌کار ایجاب می‌کند که از آمر استعلام و راهنمایی لازم را اخذ نماید (اسکینی و بهنام‌فرید، ۱۳۹۰، ۱۹۵). این الزام دوطرفه - یعنی الزام آمر به پذیرش نتایج اقدامات مجاز از یک سو، و الزام حق‌العمل‌کار به رعایت دقیق و متعهدانه حدود اختیار از سوی دیگر - زیربنای استوار و بنیادین توازن قراردادی در عقد حق‌العمل‌کاری را شکل می‌دهد و نقطه عزیمت و مبنای اصلی برای تحلیل آثار هرگونه عامل خارجی مؤثر بر اجرای قرارداد، به‌ویژه تحریم‌های اقتصادی، محسوب می‌گردد.

۲- آثار تحریم‌های اقتصادی بر اجرای قراردادهای حق‌العمل‌کاری

تحریم‌های اقتصادی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مداخلات خارجی در نظم حقوقی قراردادها، تأثیرات عمیق و چندلایه‌ای بر اجرای تعهدات قراردادی، از جمله قراردادهای حق‌العمل‌کاری، برجای می‌گذارند. این تأثیرات نه‌تنها در سطح عملیاتی و امکان‌پذیری فیزیکی انجام معامله خود را نشان می‌دهند، بلکه در سطوح حقوقی و مالی نیز انعکاس می‌یابند. تحریم‌ها، بسته به نوع، دامنه و شدت خود، می‌توانند از سدهای بانکی و مالی گرفته تا ممنوعیت‌های حمل‌ونقل، محدودیت‌های فناورانه و تحریم‌های شخصی (تحریم اشخاص حقیقی یا حقوقی) را شامل شوند که هر یک به‌نوبه خود،

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir
Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477
ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

امکان اجرای مأموریت محوله به حق‌العمل‌کار را با چالش‌های جدی مواجه می‌سازند (Brunner, ۲۰۰۹, p. ۱۴۵). در این میان، تفکیک مفهومی میان «تحریم» به‌عنوان یک واقعیت خارجی و فراقراردادی، و «ممنوعیت قانونی اجرای قرارداد» که ممکن است ناشی از تحریم یا قوانین داخلی باشد، از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ چه آن‌که هر یک آثار حقوقی متفاوتی بر سرنوشت قرارداد و تعهدات طرفین برجای می‌گذارند.

۲-۱- تأثیر تحریم بر امکان اجرای اذن و حدود اختیار حق‌العمل‌کار

تحریم‌های اقتصادی، به‌طور مستقیم بر امکان اجرای عملی اذن اعطایی از سوی آمر به حق‌العمل‌کار تأثیر می‌گذارند و در موارد بسیاری، دامنه اختیارات عملی حق‌العمل‌کار را به‌گونه‌ای محدود می‌سازند که عملاً بخش قابل‌توجهی از مأموریت محوله، غیرقابل اجرا می‌گردد. هنگامی که تحریم‌ها، ارسال کالا، انتقال وجه، ارائه خدمات بیمه‌ای، یا همکاری با نهادهای مالی و بانکی خاص را ممنوع می‌سازند، حق‌العمل‌کار عملاً با محدودیت‌هایی مواجه می‌شود که هیچ‌یک در زمان انعقاد قرارداد و اعطای اذن، قابل‌پیش‌بینی نبوده و در حیطه اختیارات متعارف وی نمی‌گنجد (Chong, ۲۰۲۴, p. ۸). ماده ۳۵۷ قانون تجارت، اختیار حق‌العمل‌کار را به‌میزان اذن و دستورات آمر محدود می‌سازد، اما این ماده در شرایط عادی و فقدان موانع خارجی وضع شده است؛ در شرایط تحریم، پرسش اساسی این است که آیا حق‌العمل‌کار می‌تواند به‌منظور غلبه بر محدودیت‌های تحریمی، از حدود اذن صادره فراتر رفته و راه‌حل‌های جایگزین (مانند تغییر مسیر حمل‌ونقل یا استفاده از واسطه‌های مالی ثالث) را اتخاذ نماید؟ پاسخ به این پرسش، نیازمند تفسیر موسع از مفهوم اذن با تکیه بر اصول تفسیر قراردادها و قاعده «وسایل متعارف» است؛ بدین معنا که اذن اعطایی، نه‌تنها شامل خود عملیات اصلی (خرید یا فروش) می‌شود، بلکه شامل وسایل و مقدمات متعارف و عقلایی اجرای آن عملیات نیز می‌گردد، مگر آن‌که آمر به‌صراحت خلاف آن را تصریح کرده باشد (UNIDROIT, ۲۰۱۶, p. ۱۲۵). بر این اساس، حق‌العمل‌کار می‌تواند در چارچوب عرف تجاری و با رعایت اصل حسن‌نیت، از روش‌های جایگزین و متعارف برای دورزدن موانع تحریمی استفاده نماید، مشروط بر آن‌که این روش‌ها خود با قوانین لازم‌الاجراء (از جمله قوانین داخلی کشور آمر یا کشور محل اجرا) در تعارض نبوده و موجب تحمیل هزینه‌های نامتناسب به آمر نشود.

با این حال، محدودیت‌های تحریمی در بسیاری از موارد، به‌گونه‌ای هستند که حتی با استفاده از روش‌های جایگزین نیز امکان اجرای کامل اذن وجود نداشته و حق‌العمل‌کار عملاً با وضعیت «تعذر نسبی» یا «دشواری شدید اجرا» مواجه می‌گردد. در چنین شرایطی، تشخیص حدود اختیار حق‌العمل‌کار از اهمیت مضاعفی برخوردار می‌شود؛ زیرا هرگونه اقدام در شرایط غیرعادی، ریسک مسئولیت ناشی از تجاوز از اذن را برای حق‌العمل‌کار به‌همراه دارد. ماده ۳۷۰ قانون تجارت مقرر داشته است که در صورتی که حق‌العمل‌کار نتواند معامله را به‌طور کامل و مطابق دستور انجام دهد، باید مراتب را فوراً به آمر اطلاع دهد و منتظر دستور جدید باشد. این ماده، با وجود آن‌که در زمان تصویب ناظر به شرایط عادی بوده، در شرایط تحریم نیز می‌تواند به‌عنوان یک قاعده راهنما تلقی گردد؛ بدین معنا که حق‌العمل‌کار در مواجهه با محدودیت‌های ناشی از تحریم، تکلیف دارد بدون تأخیر، آمر را از وضعیت پیش‌آمده مطلع ساخته و منتظر دریافت دستورات مقتضی بماند. تنها در مواردی که تأخیر در تصمیم‌گیری موجب تحمیل خسارت جبران‌ناپذیر یا از دست رفتن فرصت تجاری ممتاز شود، حق‌العمل‌کار می‌تواند به‌مقتضای قاعده «اقدام به‌مصلحت آمر» و با رعایت غایت مصلحت، اقدامات ضروری و محدود را به‌عمل آورد که این اقدامات نیز باید در کمترین دامنه ممکن و صرفاً به‌میزان رفع ضرورت فوری انجام شوند (International Bar Association, ۲۰۲۴, p. ۱۵). این رویکرد، ضمن حفظ انعطاف‌پذیری قرارداد در شرایط بحرانی، از تضییع حقوق آمر و سوءاستفاده احتمالی حق‌العمل‌کار از وضعیت تحریم، جلوگیری می‌نماید.

۲-۲-تحریم به‌عنوان عامل تعذر یا دشواری اجرای تعهدات قراردادی

از منظر حقوق قراردادها، تحریم‌های اقتصادی می‌توانند در دو سطح، اجرای تعهدات طرفین را با اختلال مواجه سازند: سطح اول، «تعذر کامل

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir
Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477
ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

اجرا» است که در آن، تحریم‌ها به‌گونه‌ای مطلق و همه‌جانبه هستند که هیچ راه عملی و قانونی برای اجرای مأموریت باقی نمی‌گذارند؛ این وضعیت، مصداق بارز فورس‌ماژور یا قوه قاهره محسوب می‌شود که بر اساس قاعده کلی حقوقی، تعهدات طرفین را معلق یا منتفی می‌سازد. سطح دوم، «دشواری شدید اجرا» یا hardship است که در آن، اجرای تعهدات اگرچه از لحاظ فیزیکی و حقوقی غیرممکن نیست، اما به‌دلیل تغییرات بنیادین در شرایط اقتصادی (نظیر افزایش نجومی هزینه‌ها، مسدود شدن مسیرهای بانکی یا عدم‌دسترسی به کالاهای جانبی)، به‌گونه‌ای متحمل و نامتعادل می‌گردد که اجرای آن با عدالت و انصاف قراردادی سازگاری ندارد (Brunner, ۲۰۰۹, p. ۱۷۸). ماده ۲۲۹ قانون مدنی، قاعده تعذر اجرا را چنین بیان داشته است که «هرگاه وجود شرطی در عقد، مستلزم وقوع امری باشد که به‌دلیل قوه قاهره، ممکن نباشد، آن شرط از عقد ساقط می‌شود». هرچند این ماده، به‌صراحت ناظر به شروط ضمن عقد است، اما با توسعه قیاسی و استناد به قاعده عام «عدم امکان اجرا» در حقوق تعهدات، می‌توان آن را به کل قرارداد حق‌العمل‌کاری تسری داد؛ به‌گونه‌ای که اگر تحریم‌ها به‌گونه‌ای باشند که اجرای کامل و صحیح مأموریت را غیرممکن سازند، تعهدات مربوط به آن مأموریت منتفی یا معلق می‌گردد.

در شرایط دشواری اجرا که تحریم‌ها اجرای قرارداد را به‌کلی غیرممکن نمی‌سازند اما به‌شدت پرهزینه و دشوار می‌کنند، رویه قراردادی بین‌المللی راه‌حل‌های متفاوتی را پیش‌بینی کرده است. ماده ۶.۲.۲ و ۶.۲.۳ اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی در شرایط دشواری اجرا که ناشی از تغییرات اساسی در اوضاع و احوال باشد، به طرفی که اجرا برای او دشوار شده، حق درخواست مذاکره مجدد را اعطا می‌کند و در صورت عدم توافق، به دادگاه یا داور اجازه می‌دهد تا قرارداد را تعدیل یا فسخ نماید در حقوق ایران، هرچند نهاد hardship به‌صراحت در قانون پیش‌بینی نشده است، اما با استناد به قاعده «عسر و حرج» که در فقه اسلامی و حقوق موضوعه ایران (ماده ۲۲۷ قانون مدنی) به‌عنوان مبنایی برای رفع تکلیف در صورت مشقت غیرمتعارف پذیرفته شده، می‌توان برای تعدیل یا تعلیق موقت تعهدات در شرایط تحریم، راهکارهای مشابهی ارائه داد. با این حال، باید توجه داشت که تحریم‌های اقتصادی به‌عنوان یک پدیده فراقراردادی، ماهیتاً متفاوت از فورس‌ماژور کلاسیک (نظیر بلایای طبیعی) هستند؛ زیرا منشأ انسانی و سیاسی دارند و معمولاً با اعلام قبلی و دوره‌های زمانی مشخص همراهند (International Chamber of Commerce, ۲۰۲۰, p. ۱۲). این ویژگی، موجب می‌شود که برخی نظام‌های حقوقی، تحریم‌ها را ذیل فورس‌ماژور نپذیرفته و صرفاً در صورت تصریح در قرارداد آن را موجب تعذر اجرا تلقی کنند. بنابراین، در قراردادهای حق‌العمل‌کاری که ممکن است در معرض تحریم‌های اقتصادی قرار گیرند، گنجاندن شروط صریح و جامع در خصوص آثار تحریم‌ها بر تعهدات طرفین، از اهمیت راهبردی بالایی برخوردار بوده و می‌تواند از بروز اختلافات طولانی و پرهزینه در آینده جلوگیری نماید.

ماده ۳۷۶ قانون تجارت که به‌عنوان آخرین ماده از مبحث حق‌العمل‌کاری، به ابطال یا عدم‌نفوذ معاملات حق‌العمل‌کار در صورت عدم رعایت مقررات اشاره دارد، هرچند به‌طور خاص ناظر به تحریم نیست، اما از این منظر که هرگونه ممنوعیت قانونی (از جمله تحریم‌هایی که به قانون داخلی تبدیل شده‌اند) می‌تواند سبب بطلان یا عدم‌نفوذ اقدامات حق‌العمل‌کار گردد، قابل استناد است. قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران مصوب ۱۳۹۹ و نیز قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور، چارچوب‌های قانونی خاصی را برای مواجهه با تحریم‌ها و ممنوعیت‌های ناشی از آن ترسیم نموده‌اند که در مواردی، انجام معاملات با اشخاص یا کشورهای تحریم‌کننده را به‌عنوان جرم تلقی می‌کنند. در این وضعیت، حق‌العمل‌کار نه‌تنها با محدودیت‌های عملی مواجه است، بلکه با تکالیف قانونی و کیفری نیز درگیر می‌شود که هرگونه اقدامی فراتر از چارچوب مقررات داخلی، می‌تواند مسئولیت انتظامی و کیفری را برای وی به‌همراه داشته باشد (بشیری، ۱۴۰۱، ۱۳). بنابراین، تحریم‌های اقتصادی در قرارداد حق‌العمل‌کاری، علاوه بر ایجاد موانع عملی، به‌مثابه مانعی حقوقی عمل می‌کنند که هم حدود اذن را محدود می‌سازند و هم در صورت شدت، می‌توانند به‌عنوان عامل تعذر یا دشواری اجرا، سرنوشت

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir
Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477
ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

حقوقی قرارداد را دگرگون سازند.

۳- استحقاق حق‌العمل‌کار نسبت به اجرت در شرایط تحریم

استحقاق حق‌العمل‌کار نسبت به اجرت یا حقالعمل، همواره وابسته به تحقق شرایط اساسی مقرر در قانون و قرارداد بوده است. ماده ۳۵۷ قانون تجارت، اجرت را در مقابل «اقدام به خرید یا فروش» پیش‌بینی کرده که نشان از رابطه مستقیم میان انجام عملیات تجاری و استحقاق دریافت حقالعمل دارد. با این حال، در شرایط تحریم‌های اقتصادی که ممکن است مأموریت محوله به‌طور کامل یا ناقص اجرا گردد یا اساساً به‌دلیل موانع خارجی، زمینه برای انجام معامله فراهم نشود، پرسش از میزان و نحوه استحقاق حق‌العمل‌کار نسبت به اجرت، پیچیدگی‌های حقوقی چشمگیری پیدا می‌کند (اسکینی و بهنام‌فرید، ۱۳۹۰، ۱۹۰).

در وضعیتی که تحریم‌ها اجرای کامل مأموریت را غیرممکن ساخته و حق‌العمل‌کار هیچ‌گونه اقدامی در جهت انجام معامله به‌عمل نیاورده است، استحقاق وی نسبت به اجرت منتفی خواهد بود؛ چرا که حقالعمل، به‌مثابه عوض و پاداش انجام عمل معین است و تا زمانی که عملی انجام نشده، محلی برای دریافت عوض وجود ندارد. این قاعده منطبق با ماده ۶۶۷ قانون مدنی است که مقرر داشته: «در عقد جعاله، عامل مستحق جعل نیست مگر پس از انجام عمل». اگرچه عقد حق‌العمل‌کاری به‌طور دقیق با جعاله متفاوت است، اما از این جهت که هر دو بر اساس انجام عمل استوارند، قاعده مزبور قابل تسری به قرارداد حق‌العمل‌کاری می‌باشد (راه‌پیک، ۱۳۸۷، ۱۵۶). همچنین ماده ۳۵۹ قانون تجارت که ناظر به موارد فسخ یا بطلان قرارداد است، بر این اصل تأکید دارد که اجرت صرفاً در صورت انجام معامله به‌موجب اذن، قابل مطالبه است. بنابراین، در شرایط تعذر کامل اجرا ناشی از تحریم، حق‌العمل‌کار نمی‌تواند ادعای حقالعمل نماید، مگر آن‌که در قرارداد شرط صریحی مبنی بر استحقاق اجرت حتی در صورت عدم‌تحقق مأموریت به‌دلیل موانع خارجی، درج شده باشد که در این صورت، شرط مزبور تا حدی که با نظم عمومی و قواعد آمره در تعارض نباشد، معتبر و لازم‌الاجراء خواهد بود.اما در مواردی که تحریم‌ها پس از شروع عملیات اجرایی از سوی حق‌العمل‌کار و پس از صرف هزینه و زمان قابل‌توجهی، اعمال می‌گردند یا به‌گونه‌ای هستند که مأموریت به‌طور ناقص و کاهش‌یافته قابل اجراست، وضعیت حقوقی متفاوتی شکل می‌گیرد. در این وضعیت، با استناد به قاعده «تسلیم به‌میزان انجام عمل» و اصل منع غنی‌شدن ناعادلانه، می‌توان قائل به استحقاق نسبی حق‌العمل‌کار شد؛ بدین معنا که حق‌العمل‌کار به‌میزان اقدامات مؤثری که به‌عمل آورده و ارزش اقتصادی ایجاد کرده، مستحق دریافت بخشی از اجرت یا جبران هزینه‌های مفید و متعارفی است که متحمل شده است (شهیدی، ۱۳۸۳، ۲۱۷). ماده ۳۷۱ قانون تجارت در مقام تعیین ضوابط استحقاق اجرت در شرایط مشابه (هرچند ناظر به فسخ قرارداد توسط آمر) بیان می‌دارد که در صورت فسخ قرارداد توسط آمر پس از شروع عملیات، حق‌العمل‌کار مستحق اجرت‌المثل اقدامات انجام‌شده خواهد بود. این ماده با لحاظ قاعده وحدت ملاک، در شرایط تحریم که ممکن است به‌منزله فسخ قهری یا تعلیق قرارداد تلقی گردد، قابل استناد است (حاجیانی، ۱۳۸۶، ۱۱۲).

در وضعیت دشواری اجرا که تحریم‌ها اجرای کامل را غیرممکن ننموده‌اند اما انجام آن را با هزینه‌های سرسام‌آور و غیرمتعارف همراه ساخته‌اند، استحقاق حق‌العمل‌کار نسبت به اجرت، مشروط به انجام معامله با همان شرایط دشوار و متحمل‌شده خواهد بود، مگر آن‌که طرفین به‌توافق جدیدی در خصوص تعدیل اجرت دست یابند. در این میان، ماده ۳۶۷ قانون تجارت که ناظر به نحوه محاسبه حقالعمل است، بر اساس عرف و رویه تجاری و میزان زحمت و مسئولیت حق‌العمل‌کار، ضابطه تعیین اجرت را بیان داشته است. در شرایط تحریم که حجم کار، ریسک‌پذیری و هزینه‌های حق‌العمل‌کار به‌مراتب افزایش می‌یابد، می‌توان استدلال نمود که وی مستحق حقالعمل بیشتری نسبت به شرایط عادی است؛ چرا که اساساً حقالعمل، پاداش ریسک و تلاش مضاعف در فضای پرچالش تجاری نیز محسوب می‌شود (UNIDROIT, ۲۰۱۶). با این حال، اعمال این استدلال مستلزم آن است که حق‌العمل‌کار توانسته باشد با وجود موانع تحریمی، اصل معامله را به‌نحو مطلوب به‌انجام رسانده و هیچ‌گونه تقصیر

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir
Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477
ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

یا تخلفی در رعایت حدود اذن یا رعایت قوانین و مقررات مربوطه مرتکب نشده باشد. در غیر این صورت، چنان‌که اجرای معامله به‌دلیل اقدامات نامناسب یا خارج از چارچوب اذن از سوی حق‌العمل‌کار با شکست مواجه شود، نه‌تنها مستحق اجرتی نخواهد بود، بلکه به‌موجب ماده ۳۶۹ قانون تجارت، مسئول جبران خسارت‌های وارده به آمر نیز خواهد بود.

نکته حائز اهمیت دیگر، تأثیر قوانین داخلی مرتبط با تحریم بر استحقاق اجرت است. قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران مصوب ۱۳۹۹، در برخی موارد، انجام معاملات با اشخاص یا کشورهای خاص را ممنوع اعلام کرده و عدم رعایت این ممنوعیت‌ها را موجب مسئولیت کیفری و حقوقی دانسته است. در چنین شرایطی، اگر حق‌العمل‌کار اقدام به معامله‌ای نماید که بعداً مشخص شود مغایر با قوانین تحریمی داخلی بوده، حتی اگر معامله به‌ظاهر انجام شده باشد، استحقاق اجرت را از دست خواهد داد؛ چرا که اجرت، پاداش عمل مشروع و قانونی است و عمل غیرقانونی، نه‌تنها موجد حق دریافت اجرت نمی‌شود، بلکه ممکن است باعث مسئولیت انتظامی و کیفری وی گردد (بشیری، ۱۴۰۱، ۱۸). در مقابل، اگر ممنوعیت تحریمی از سوی کشور ثالثی اعمال شود که آمر یا کالاهای موضوع معامله، تابعیت آن کشور را داشته باشند، تأثیر آن بر استحقاق اجرت منوط به وجود یا فقدان شرط صریح در قرارداد در خصوص تبعیت از قوانین تحریمی کشور ثالث است. در صورت سکوت قرارداد و عدم آگاهی حق‌العمل‌کار از چنین محدودیتی، استحقاق اجرت با توجه به اصل حسن‌نیت و قاعده «جهل به قانون رافع مسئولیت نیست» (که البته در حقوق ایران نسبت به جهل به قانون خارجی، با مسامحه بیشتری برخورد می‌شود)، موضوعیت پیدا می‌کند که نیازمند بررسی دقیق موردی و با توجه به عرف تجاری بین‌المللی و اصول حاکم بر قراردادهاست.

در نهایت، در شرایط تحریم که اجرای مأموریت به‌طور موقت معلق شده و قرارداد به‌حالت تعلیق درآمده است، استحقاق حق‌العمل‌کار به‌موجب قاعده «تعهد به نتیجه در مقابل تعهد به وسایل» نیز قابل تحلیل است. در قرارداد حق‌العمل‌کاری، غالباً تعهد حق‌العمل‌کار، تعهد به وسایل (نه تعهد به نتیجه) تلقی می‌گردد؛ بدین معنا که وی متعهد است با به‌کارگیری تمامی تلاش و مهارت حرفه‌ای خود، مقدمات انجام معامله را فراهم آورد، اما وقوع خود معامله ممکن است به‌عوامل خارج از اراده وی، از جمله تحریم، وابسته باشد (Chong, ۲۰۲۴, p. ۱۵). در این چارچوب، اگر حق‌العمل‌کار تمامی اقدامات متعارف و معقول را به‌عمل آورده باشد، لکن تحریم‌ها مانع از انجام نهایی معامله گردند، استحقاق وی نسبت به اجرت کامل محل تردید است، اما می‌تواند حداقل مستحق جبران هزینه‌های معقول و متعارف انجام‌شده و نیز دریافت اجرت‌المثل به‌میزان زحمات متحمل‌شده باشد. دیوان عالی کشور در آرای متعدد خود، بر این اصل تأکید داشته که در موارد تعذر اجرا، قاعده انصاف و لزوم جبران زحمات، مبنای استحقاق به‌میزان انجام کار قرار می‌گیرد (اسکینی و بهنام‌فرید، ۱۳۹۰، ۱۹۲). بنابراین، در شرایط تحریم، می‌توان نتیجه گرفت که استحقاق حق‌العمل‌کار نسبت به اجرت، طیفی از عدم استحقاق کامل (در صورت عدم شروع عملیات) تا استحقاق کامل (در صورت انجام کامل معامله با رعایت حدود اذن و قوانین) و استحقاق نسبی (در صورت انجام بخشی از عملیات یا تحمل هزینه‌های مفید) را دربرمی‌گیرد که تعیین دقیق هر یک، مستلزم بررسی تفصیلی شرایط خاص هر پرونده و اوضاع و احوال حاکم بر آن است.

۴- آثار حقوقی زوال یا محدودیت اذن ناشی از تحریم‌های اقتصادی

تحریم‌های اقتصادی، به‌عنوان عاملی خارج از اراده طرفین، می‌توانند موجبات زوال کامل یا محدودیت شدید اذن اعطایی از سوی آمر به حق‌العمل‌کار را فراهم آورند. زوال اذن به معنای از بین رفتن کامل مبنای حقوقی اقدامات حق‌العمل‌کار و محدودیت اذن به معنای کاهش دامنه اختیارات عملی وی در شرایط تحریمی است. این وضعیت، آثار حقوقی گسترده‌ای بر اقدامات انجام‌شده، مسئولیت طرفین و سرنوشت نهایی قرارداد برجای می‌گذارد که در این بخش به‌تفکیک مورد تحلیل قرار می‌گیرند (Brunner, ۲۰۰۹, p. ۲۰۳).

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir
Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477
ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

۴-۱- تأثیر زوال یا محدودیت اذن بر اقدامات انجام‌شده توسط حق‌العمل‌کار

زوال یا محدودیت اذن در شرایط تحریم، آثار متفاوتی بر اقداماتی دارد که حق‌العمل‌کار پیش از بروز تحریم یا در دوران اعمال تحریم‌ها به‌عمل آورده است. در خصوص اقدامات انجام‌شده پیش از اعمال تحریم، قاعده کلی آن است که این اقدامات در چارچوب اذن معتبر و موجود صورت گرفته‌اند و تحریم‌های بعدی نمی‌توانند به‌صورت قهقرایی بر اعتبار و صحت حقوقی آنها تأثیر بگذارند. ماده ۳۵۷ قانون تجارت، که مبنای اعتبار اقدامات حق‌العمل‌کار را وجود اذن در زمان اقدام قرار داده است، مؤید این معناست که اعتبار عمل حقوقی، تابع زمان وقوع آن بوده و حوادث بعدی نمی‌توانند مشروعیت عمل انجام‌شده را مخدوش سازند. با این حال، اگر تحریم‌ها در فاصله زمانی میان انعقاد معامله از سوی حق‌العمل‌کار و اجرای کامل آن (نظیر تحویل کالا یا پرداخت وجه) اعمال شوند، ممکن است امکان ایفای کامل تعهدات ناشی از آن معامله از بین برود که در این صورت، بحث تعذر اجرا در مرحله بعدی مطرح می‌شود و ارتباط مستقیمی با زوال اذن ندارد (راه‌پیک، ۱۳۸۷، ۱۷۸).

اما چالش اصلی، معطوف به اقداماتی است که حق‌العمل‌کار در دوران اعمال تحریم‌ها و با وجود محدودیت‌های ناشی از آن به‌عمل آورده است. در این وضعیت، اگر تحریم‌ها به‌گونه‌ای باشند که موضوع مأموریت (خرید یا فروش کالا) را به‌کلی غیرقانونی یا غیرممکن سازند، اذن به‌طور خودکار زائل گردیده و هرگونه اقدام پس از آن، فاقد مبنای حقوقی خواهد بود و آمر را در قبال آن مسئول نمی‌سازد (Chong, ۲۰۲۴, p. ۲۲). بر اساس ماده ۳۷۰ قانون تجارت، حق‌العمل‌کار در صورت عدم امکان اجرای کامل مأموریت، باید موضوع را به آمر اطلاع دهد و منتظر دستور جدید باشد. این ماده، به‌وضوح بیانگر آن است که در صورت زوال اذن به‌دلیل موانع خارجی، نه‌تنها حق‌العمل‌کار نمی‌تواند اقدام جدیدی انجام دهد، بلکه موظف است از هرگونه اقدامی که خارج از دایره اذن محدودشده یا زائل‌شده است، خودداری نماید. تخلف از این تکلیف، موجبات مسئولیت حق‌العمل‌کار را نسبت به زیان‌های وارده به آمر فراهم می‌آورد، زیرا اقدامات پس از زوال اذن، به‌منزله تصرف در مال غیر و انجام عملیات بدون مجوز تلقی می‌شود که ماده ۳۶۹ قانون تجارت نیز بر مسئولیت ناشی از چنین اقداماتی تصریح دارد.با این حال، در مواردی که تحریم‌ها موجب محدودیت نسبی اذن می‌شوند (به‌عنوان مثال، تحریم‌های بانکی که استفاده از یک سیستم مالی خاص را ممنوع می‌سازند، اما سیستم‌های جایگزین مجاز باقی می‌مانند)، حق‌العمل‌کار همچنان می‌تواند در چارچوب اذن محدودشده و با رعایت روش‌های جایگزین مجاز، به اجرای مأموریت بپردازد. ماده ۳۵۸ قانون تجارت با تأکید بر لزوم رعایت دستورات آمر، در شرایط محدودیت اذن، به‌عنوان تکلیف حق‌العمل‌کار مبنی بر تطبیق اقدامات خود با دامنه باقی‌مانده اختیار، قابل استناد است. در این وضعیت، هرگونه اقدامی که خارج از چارچوب اذن محدودشده باشد، غیرمجاز محسوب شده و مسئولیت‌های ناشی از تجاوز از حدود اذن را به‌دنبال خواهد داشت. ماده ۳۷۶ قانون تجارت نیز با بیان این‌که معاملات حق‌العمل‌کار که خارج از حدود اختیار وی بوده، نسبت به آمر نافذ نیست، بر همین اصل تأکید دارد (حاجیانی، ۱۳۸۶، ۱۲۵). در نتیجه، حق‌العمل‌کار موظف است در دوران تحریم، با دقت و وسواس بیشتری نسبت به تشخیص حدود اذن باقی‌مانده اقدام نموده و از هرگونه تفسیر موسع و خلاف واقع از دامنه اختیار خود پرهیز کند، مگر آن‌که از آمر استعلام و تأییدیه کتبی دریافت نماید. این رویکرد، ضمن تأمین امنیت حقوقی طرفین، از بروز اختلافات بعدی در خصوص اعتبار یا عدم‌اعتبار اقدامات انجام‌شده، تا حد قابل‌توجهی پیشگیری می‌نماید.

۴-۲- مسئولیت آمر و حق‌العمل‌کار در صورت عدم امکان اجرای مأموریت

اصل اولیه آن است که در صورت تعذر اجرا به‌دلیل قوه قاهره یا حادثه خارجی، هیچ‌یک از طرفین مسئول جبران خسارت ناشی از عدم‌اجرا نیستند، زیرا اصل بر عدم مسئولیت در صورت فقدان تقصیر است (ماده ۲۲۷ قانون مدنی). این قاعده، در حقوق ایران با استناد به قاعده «الخراج بالضمان» و قاعده «ما لا یُدرَک کُلّه لا یُترَک کلّه» نیز قابل تأیید است؛ بدین معنا که در صورت عدم امکان اجرای کامل، تا حد ممکن باید اجرا

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir
Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477
ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

شود و در بخش غیرممکن، مسئولیتی متوجه طرفین نیست (شهیدی، ۱۳۸۳، ۲۳۲). با این حال، در شرایط تحریم، مسئولیت ممکن است تحت تأثیر عواملی نظیر میزان آگاهی طرفین از تحریم‌ها، زمان اعمال تحریم، نوع اقدامات انجام‌شده توسط حق‌العمل‌کار و وجود یا فقدان شروط قراردادی مرتبط، دستخوش تغییرات قابل‌توجهی گردد.نخستین نکته در تحلیل مسئولیت، وضعیتی است که تحریم‌ها پیش از انعقاد قرارداد وجود داشته و آمر با علم به آن، اذن انجام معامله را صادر نموده است. در این حالت، آمر نمی‌تواند بعداً به تحریم به‌عنوان عامل تعذر اجرا استناد کند، زیرا با علم و آگاهی کامل اقدام به انعقاد قرارداد نموده و این امر، مصداق بارز قاعده «اقدام به امری که می‌دانست ممکن است به‌دلیل مانع خارجی به‌سرانجام نرسد، رافع مسئولیت نیست» محسوب می‌شود (International Bar Association, ۲۰۲۴, p. ۲۸). در مقابل، اگر تحریم‌ها پس از انعقاد قرارداد و اعطای اذن، به‌گونه‌ای غیرقابل‌پیش‌بینی اعمال شوند و حق‌العمل‌کار با تمام توان و با رعایت استانداردهای حرفه‌ای و عرف تجاری، اقدامات لازم را به‌عمل آورده باشد، نه تنها آمر نمی‌تواند حق‌العمل‌کار را مسئول عدم‌تحقق مأموریت بداند، بلکه به‌موجب قاعده «تعهد به وسایل» در مقابل «تعهد به نتیجه»، وی مستحق دریافت حداقل هزینه‌ها و زحمات متحمل‌شده خواهد بود، چنان‌که در بخش سوم به آن اشاره شد. ماده ۳۷۱ قانون تجارت که در موارد فسخ توسط آمر، حق‌العمل‌کار را مستحق اجرت‌المثل اقدامات انجام‌شده می‌داند، با توسعه قیاسی قابل تسری به موارد تعذر اجرا ناشی از تحریم نیز می‌باشد، هرچند میزان این اجرت‌المثل، حسب مورد و با توجه به عرف و رویه قضایی قابل تعیین است.در مقابل، چنان‌که عدم‌اجرای مأموریت به‌دلیل تقصیر یا تخلف حق‌العمل‌کار باشد، وی کاملاً مسئول جبران خسارت‌های وارده به آمر خواهد بود. نمونه‌های تقصیر در این زمینه عبارتند از: عدم اطلاع‌رسانی به‌موقع در مورد موانع تحریمی، اتخاذ تصمیمات نسنجیده و ریسک‌پذیر خارج از چارچوب اذن، عدم رعایت قوانین تحریمی کشورهای ثالث که منجر به توقیف کالا یا وجه شده، و به‌کارگیری روش‌های جایگزین غیرمجاز یا غیرمتعارف که باعث تحمیل هزینه‌های اضافی بر آمر گردیده است (Brunner, ۲۰۰۹, p. ۲۱۵). در این گونه موارد، ماده ۳۵۸ قانون تجارت به‌صراحت حق‌العمل‌کار را ضامن زیان‌های وارده معرفی کرده و ماده ۳۶۹ نیز با تأکید بر مسئولیت در صورت معامله خارج از حدود اختیار، ضمانت‌اجرای مؤثری برای جبران خسارت آمر فراهم ساخته است. به‌علاوه، قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور، در مواردی که اقدامات حق‌العمل‌کار عمدتاً منجر به تضییع منافع ملی یا نقض مقررات تحریمی گردد، مسئولیت کیفری را نیز برای وی به‌همراه خواهد داشت که از این منظر، بُعد فراقراردادی مسئولیت نیز مطرح می‌شود (بشیری، ۱۴۰۱، ۲۵).

مسئولیت آمر نیز در شرایط تحریم، به‌میزانی است که با وی مرتبط باشد. اگر تحریم‌ها به‌گونه‌ای باشند که صرفاً ناظر به شخص آمر یا کالاهای موردنظر وی هستند (مانند تحریم‌های شخصی یا تحریم کالاهای خاص)، آمر نمی‌تواند این محدودیت‌ها را به حق‌العمل‌کار تحمیل نموده و سپس در صورت عدم‌اجرا، تقصیر را متوجه وی سازد. در این وضعیت، آمر موظف است به‌محض آگاهی از موانع تحریمی، مراتب را به حق‌العمل‌کار اعلام نموده و دستورات مقتضی در خصوص تعلیق، اصلاح یا لغو مأموریت صادر نماید (ماده ۳۷۰ قانون تجارت). قصور در این امر، می‌تواند موجبات مسئولیت آمر در قبال هزینه‌های تحمیل‌شده به حق‌العمل‌کار شود، زیرا حق‌العمل‌کار در پرتو اذن اولیه و با حسن‌نیت اقدام به صرف هزینه و تلاش نموده است. قاعده «اقدام به‌مصلحت آمر» که در رویه حقوقی ایران به‌عنوان یک اصل پذیرفته شده، در مواردی که آمر پس از اعطای اذن و شروع عملیات، از ادامه مأموریت منصرف شده یا به‌دلیل تحریم امکان ادامه آن را ندارد، ایجاب می‌کند که حداقل هزینه‌های متعارف و ضروری انجام‌شده توسط حق‌العمل‌کار جبران گردد (حاجیانی، ۱۳۸۶، ۱۳۴).

۵-تحلیل حقوقی و راهکارهای قراردادی مقابله با آثار تحریم‌ها

تحلیل جامع و عمیق آثار تحریم‌های اقتصادی بر قرارداد حق‌العمل‌کاری، که در بخش‌های پیشین این نوشتار به‌تفصیل مورد بررسی قرار گرفت، به‌وضوح نشان می‌دهد که این پدیده فراقراردادی و برون‌زا، به‌مثابه عاملی

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir

Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477

ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

چندوجهی، پیچیده و تأثیرگذار، هم بر امکان اجرای اذن و حدود اختیار حق‌العمل‌کار، هم بر استحقاق اجرت و میزان آن، و هم بر مسئولیت قراردادی و فراقراردادی طرفین، تأثیرات عمیق، گسترده و گاه جبران‌ناپذیری برجای می‌گذارد. در این بستر پرچالش، متغیر و سرشار از ابهامات حقوقی و اقتصادی، ضرورت طراحی و به‌کارگیری راهکارهای قراردادی کارآمد، هوشمندانه، آینده‌نگر و مبتنی بر تجارب عملی، برای مدیریت ریسک تحریم، بیش از پیش آشکار و انکارناپذیر می‌گردد (بشیری، ۱۴۰۱، ۲۸). بررسی تطبیقی رویه قضایی بین‌المللی، اسناد هنجاری معتبر در حوزه حقوق تجارت بین‌الملل و رویه‌های رایج قراردادی در بازارهای جهانی، نشان می‌دهد که رویکردهای متفاوت و بعضاً متضادی در مواجهه با تحریم‌های اقتصادی اتخاذ شده است که هر یک می‌تواند برای نظام حقوقی ایران و فعالان اقتصادی آن، به‌ویژه در حوزه قراردادهای حق‌العمل‌کاری که ذاتاً با معاملات فرامرزی و بین‌المللی درگیر هستند، حاوی آموزه‌های ارزشمند، تجارب عملی و هشدارهای مؤثری باشد. در این بخش، ضمن تحلیل تطبیقی و انتقادی رویکردهای موجود در نظام‌های حقوقی مختلف و رویه‌های قضایی و داوری بین‌المللی با تکیه بر دو پرونده شاخص و تأثیرگذار، مجموعه‌ای جامع از راهکارهای عملی، حقوقی و راهبردی برای مقابله با آثار سوء تحریم‌ها در قراردادهای حق‌العمل‌کاری ارائه می‌شود که می‌تواند به‌عنوان چارچوبی مرجع برای تنظیم و مذاکره قراردادهای آتی مورد استفاده فعالان اقتصادی، حقوقدانان و مشاوران حقوقی قرار گیرد.

نخستین و در عین حال بنیادی‌ترین راهکار، گنجاندن شروط صریح، جامع و غیرقابل‌ابهام تحریم در متن اصلی قرارداد و به‌عنوان بخشی تفکیک‌ناپذیر از مفاد آن است. این شروط، که می‌بایست با زبانی روشن، دقیق و با بهره‌گیری از مفاهیم حقوقی متعارف و شناخته‌شده در عرف تجاری بین‌المللی تدوین گردند، به‌وضوح مشخص می‌سازند که وقوع یا اعمال تحریم‌های اقتصادی با چه کیفیت، کمیت و آثاری بر تعهدات طرفین تأثیر می‌گذارد و اینکه آیا تحریم به‌عنوان مصداقی از حادثه غیرمترقبه و قوه قاهره، دشواری شدید اجرا یا یک رویداد مستقل و خاص با آثار حقوقی متمایز از این دو نهاد، تلقی می‌گردد. انجمن بین‌المللی اتاق بازرگانی به‌عنوان یکی از معتبرترین نهادهای تنظیم‌کننده قواعد تجارت بین‌الملل، و همچنین سازمان دریایی بالتیک که در حوزه قراردادهای حمل‌ونقل دریایی صاحب‌نظر است، شروط نمونه‌ای و استانداردی برای پوشش ریسک تحریم تدوین و منتشر کرده‌اند که در آنها، تحریم به‌عنوان یکی از مصادیق روشن و متعارف حادثه غیرمترقبه تلقی شده و آثار آن بر تعهدات طرفین به‌تفصیل تبیین گردیده است (International Chamber of Commerce, ۲۰۲۰, Clause ۳(c)). در رویه قضایی انگلستان که یکی از نظام‌های حقوقی پیشرو در حوزه تجارت بین‌الملل و داوری تجاری محسوب می‌شود، دادگاه عالی این کشور در پرونده مهم و تأثیرگذار «شرکت معدنی مامانکوچت علیه شرکت مدیریتی اجیس و دیگران» که در سال ۲۰۱۸ میلادی مورد رسیدگی قرار گرفت، با تأکید بر اصل تفسیر مضیق و محدود شروط معاف‌کننده از مسئولیت، اعلام داشته است که شروط مبهم، کلی، غیردقیق و فاقد شفافیت در حوزه تحریم، نمی‌توانند مبنایی مستحکم و قابل‌استناد برای معافیت از اجرای تعهدات قراردادی یا تعلیق آنها باشند و هرگونه استناد به تحریم‌ها به‌عنوان عامل معاف‌کننده یا تعلیق‌کننده تعهدات، باید مبتنی بر دلالت واضح، صریح، غیرقابل‌انکار و روشن شروط درج‌شده در قرارداد باشد . این رویکرد قضایی، که در نظام حقوقی کامن‌لا از جایگاه والایی برخوردار است، نشان می‌دهد که شروط تحریم نمی‌توانند به‌صورت کلی و با عبارات مبهم مانند «در صورت وقوع تحریم» یا «تحریم‌های احتمالی» تنظیم گردند؛ بلکه باید به‌گونه‌ای دقیق مشخص شود که کدام تحریم‌ها، با چه منشأ و دامنه‌ای، در چه زمانی و با چه آثاری، موجب تعلیق، تعدیل یا انحلال قرارداد می‌گردند. برای نمونه، شروط تحریم باید به‌صراحت تعیین کنند که آیا تحریم‌های یک‌جانبه (نظیر تحریم‌های آمریکا) نیز در شمول شرط قرار می‌گیرند یا صرفاً تحریم‌های چندجانبه و سازمان ملل متحد؛ همچنین باید مشخص شود که در صورت بروز تحریم، آیا قرارداد به‌کلی منحل می‌شود یا صرفاً به‌حالت تعلیق درمی‌آید و در صورت تعلیق، مدت آن چقدر خواهد بود و در پایان دوره تعلیق، تکلیف طرفین چیست.

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir
Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477
ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

بنابراین، در قراردادهای حق‌العمل‌کاری که به‌دلیل ماهیت فرامرزی و بین‌المللی خود، به‌طور ویژه در معرض ریسک تحریم‌های اقتصادی قرار دارند، پیش‌بینی و تنظیم شروط تحریم با زبانی روشن، دقیق، جامع، غیرقابل‌ابهام و مبتنی بر معیارهای عینی و قابل‌تشخیص، نه یک انتخاب بلکه یک الزام اساسی، حیاتی و انکارناپذیر در مدیریت ریسک محسوب می‌شود و می‌تواند از بروز اختلافات طولانی، پرهزینه و زمان‌بر در آینده، که چه بسا ارزش و منافع اقتصادی معامله را به‌کلی از بین ببرد، به‌طور مؤثری جلوگیری نماید. به‌علاوه، توصیه می‌شود که در کنار شروط تحریم، سازوکارهای اطلاع‌رسانی و مشاوره نیز پیش‌بینی گردد؛ به‌گونه‌ای که هر یک از طرفین در صورت آگاهی از وضعیت تحریم، مکلف باشد مراتب را فوراً به طرف دیگر اعلام نموده و مستندات مربوط را ارائه دهد تا زمینه برای اتخاذ تصمیمات مقتضی و به‌موقع فراهم آید.

دومین راهکار کلیدی و مکمل راهکار نخست، تفکیک مفهومی و حقوقی دقیق و نظام‌مند میان دو نهاد حادثه غیرمترقبه (قوه قاهره) و دشواری شدید اجرا در شروط قراردادی و تعیین آثار و نتایج هر یک بر تعهدات، اختیارات و مسئولیت‌های طرفین به‌طور جداگانه و روشن است. بررسی عمیق رویه قضایی بین‌المللی و رویه‌های داوری تجاری نشان می‌دهد که تحریم‌های اقتصادی، بسته به شدت، دامنه شمول، مدت زمان اعمال، نوع کالاها یا خدمات موضوع تحریم و نیز قلمرو سرزمینی یا فراسرزمینی بودن آنها، می‌توانند در هر دو دسته حادثه غیرمترقبه و دشواری شدید اجرا قرار گیرند و تشخیص مصداق هر یک، نیازمند بررسی دقیق و همه‌جانبه شرایط عینی، ملموس و قابل‌اثبات حاکم بر پرونده است. در مواردی که تحریم‌ها به‌گونه‌ای همه‌جانبه، مطلق، قطعی و غیرقابل‌اجتناب هستند که اجرای تعهدات قراردادی را به‌کلی غیرممکن، ناممکن و خارج از توان عملی و حقوقی طرفین می‌سازند، در قالب حادثه غیرمترقبه تحلیل شده و طرف متعهد (اعم از آمر یا حق‌العمل‌کار) را از مسئولیت جبران خسارت ناشی از عدم‌اجرا یا تأخیر در اجرا معاف می‌سازند و تعهدات وی را به‌حالت تعلیق درآورده یا در موارد شدید، موجب انحلال قرارداد می‌گردند. اما در مواردی که تحریم‌ها صرفاً موجب برهم خوردن تعادل اقتصادی قرارداد، افزایش غیرمتعارف، سرسام‌آور و غیرقابل‌تحمل هزینه‌های اجرا، کاهش چشمگیر و قابل‌توجه ارزش عوض معامله، ایجاد دشواری‌های شدید، طاقت‌فرسا و طولانی در مسیر اجرا، یا از بین رفتن منافع اقتصادی مورد انتظار طرفین می‌شوند، اما به‌طور کامل اجرا را غیرممکن نمی‌سازند، در قالب دشواری شدید اجرا قرار گرفته و مبنایی برای درخواست مذاکره مجدد با حسن‌نیت و جدیت کامل، تعدیل شرایط قرارداد به‌گونه‌ای عادلانه و متوازن، یا حتی در موارد شدید و غیرقابل‌تحمل، فسخ قرارداد فراهم می‌آورند (بشیری، ۱۴۰۱، ۱۸). اصول قراردادهای تجاری بین‌المللی یونیدروا که به‌عنوان یکی از معتبرترین، تأثیرگذارترین و پراستنادترین اسناد حقوقی در حوزه تجارت بین‌الملل شناخته می‌شود، دشواری شدید اجرا را چنین تعریف کرده است: وقوع رویدادهایی که تعادل اساسی و بنیادین قرارداد را به‌گونه‌ای تغییر می‌دهند که هزینه اجرای تعهدات قراردادی به‌طور چشمگیری افزایش یافته یا ارزش اجرت دریافتی توسط یک طرف به‌طور قابل‌توجهی کاهش یابد، مشروط بر آن‌که این رویدادها پس از انعقاد قرارداد رخ داده باشند یا برای طرف متضرر در زمان انعقاد قابل‌شناخت نبوده‌اند، در زمان انعقاد قرارداد توسط طرف متضرر قابل‌پیش‌بینی نبوده باشند، خارج از کنترل مؤثر طرف متضرر بوده‌اند و ریسک وقوع آنها توسط طرف متضرر در قرارداد پذیرفته نشده باشد (UNIDROIT, ۲۰۱۶, Article ۶.۲.۲).

در صورت تحقق شرایط یادشده، طرفین موظف به مذاکره با حسن‌نیت و جدیت کامل برای تعدیل شرایط قرارداد هستند و در صورت عدم توافق طی مدت معقول، دادگاه یا داور صالح می‌تواند به‌درخواست هر یک از طرفین، قرارداد را تعدیل یا در موارد شدید و غیرقابل‌جبران، فسخ نماید تا از تحمیل ضرر نامتناسب، غیرمنصفانه و غیرقابل‌تحمل به یکی از طرفین جلوگیری به‌عمل آید (UNIDROIT, ۲۰۱۶, Article ۶.۲.۳). در رویه قضایی انگلستان، دادگاه‌ها در موارد متعددی به این تفکیک توجه داشته‌اند و تأکید کرده‌اند که صرف دشواری یا افزایش هزینه، به‌تنهایی نمی‌تواند توجیه‌گر تعلیق یا انحلال قرارداد باشد، مگر آن‌که این دشواری به‌حدی شدید و غیرمتعارف باشد که اجرای قرارداد را به‌گونه‌ای متحول سازد که

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir

Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477

ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

با غایت و هدف اصلی قرارداد در زمان انعقاد، تناسبی نداشته باشد. به‌کارگیری و استناد به این رویکرد پیشرفته، متعادل و منصفانه در قراردادهای حق‌العمل‌کاری که به‌دلیل ماهیت پویا، ریسک‌پذیر، حساس به تغییرات بازارهای مالی و سیاسی، و وابستگی به عوامل خارجی متعدد، همواره در معرض نوسانات و شوک‌های خارجی قرار دارند، می‌تواند انعطاف‌پذیری قابل‌توجهی در مواجهه با تحریم‌ها ایجاد نموده و از تداوم روابط تجاری در شرایط بحرانی حمایت نماید، مشروط بر آن‌که شروط قراردادی با دقت و وسواس کافی تنظیم شده و به‌صراحت، مصادیق هر یک از این دو نهاد را با توجه به ماهیت خاص معاملات موضوع قرارداد، تعیین نمایند.

سومین راهکار راهبردی، معطوف به تعیین ضوابط شفاف، عینی، قابل‌تشخیص و غیرقابل‌چالش برای میزان و نحوه استحقاق حق‌العمل‌کار نسبت به اجرت در شرایط مختلف ناشی از تحریم‌های اقتصادی است. همان‌گونه که در بخش سوم این نوشتار به‌تفصیل تحلیل شد، استحقاق اجرت در شرایط تحریم، طیفی گسترده از عدم استحقاق کامل (در صورت عدم شروع عملیات یا عدم انجام هیچ‌گونه اقدام مؤثر و ثمربخش) تا استحقاق کامل (در صورت انجام کامل و صحیح معامله با رعایت دقیق حدود اذن و قوانین مربوطه) و استحقاق نسبی و تناسبی (در صورت انجام بخشی از عملیات یا تحمل هزینه‌های مفید و متعارف بدون دستیابی به نتیجه نهایی و کامل) را دربرمی‌گیرد. برای مدیریت این وضعیت پیچیده، مبهم و مستعد اختلاف، اکیداً توصیه می‌شود که در متن قرارداد، شروطی روشن، دقیق، جامع و قابل‌اعمال مبنی بر استحقاق حق‌العمل‌کار به‌میزان اقدامات انجام‌شده، هزینه‌های متحمل‌شده، زحمات متعارف صورت‌گرفته یا ارزش افزوده ایجادشده در صورت وقوع یا اعمال تحریم‌ها، درج گردد. این شروط، که می‌توانند به‌عنوان سازوکاری عادلانه، منطقی و مبتنی بر قاعده انصاف برای جبران هزینه‌های مفید و متعارف عمل نمایند، می‌توانند از بروز اختلافات طولانی، پرهزینه و زمان‌بر ناشی از عدم‌تحقق کامل یا جزئی مأموریت به‌دلیل تحریم‌ها، جلوگیری به‌عمل آورند و اعتماد طرفین را نسبت به عادلانه و منصفانه بودن قرارداد، حتی در شرایط بحرانی و پرابهام، حفظ نمایند (Brunner, ۲۰۰۹, p. ۲۳۵). همچنین، درج شرط صریح، روشن و غیرقابل‌تأویل مبنی بر اینکه تعهد حق‌العمل‌کار در قرارداد، «تعهد به تلاش و اقدام متعارف» در مقابل «تعهد به تحقق نتیجه نهایی» تلقی می‌شود، می‌تواند به‌گونه‌ای شفاف و غیرقابل‌چالش سازد که حق‌العمل‌کار صرفاً متعهد به انجام اقدامات متعارف، معقول، حرفه‌ای و مبتنی بر استانداردهای تجاری در جهت اجرای مأموریت است و عدم‌تحقق نهایی مأموریت به‌دلیل عواملی خارج از کنترل مؤثر وی، نظیر تحریم‌های اقتصادی، از حیطه مسئولیت و ضمان وی خارج بوده و موجب سلب استحقاق وی نسبت به اجرت یا جبران هزینه‌های معقول و متعارف نمی‌گردد. دادگاه عالی سنگاپور در پرونده مهم و تأثیرگذار «شرکت کوورا ریسورسز علیه بانک جی‌پی مورگان چیس» که در سال ۲۰۲۳ میلادی مورد رسیدگی قرار گرفت، بر این نکته اساسی و بنیادین تأکید داشته است که شروط تحریم باید به‌گونه‌ای عینی، غیرسلیقه‌ای، مبتنی بر معیارهای قابل‌تشخیص و اثبات‌پذیر تفسیر شوند و استناد صرف به ارزیابی‌های داخلی، شخصی، سلیقه‌ای و یک‌جانبه یک طرف (به‌ویژه طرف قوی‌تر و مسلط اقتصادی)، نمی‌تواند مبنایی معتبر، قابل‌قبول و موجد حق برای اعمال شروط تحریم و معافیت از تعهدات یا سلب حقوق طرف دیگر تلقی گردد. این رویکرد مترقی، منصفانه و حمایت‌گر از حقوق طرف ضعیف‌تر قرارداد، ضرورت عینی‌سازی، شفاف‌سازی، دقیق‌سازی و غیرقابل‌اجتناب‌سازی شروط تحریم در قراردادهای حق‌العمل‌کاری را بیش از پیش آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد که در تنظیم این شروط، باید از هرگونه تعبیر مبهم، تفسیرپذیر، چندمعنا و مبتنی بر معیارهای سلیقه‌ای و شخصی پرهیز نمود و شروط را به‌گونه‌ای تدوین کرد که هر داور یا دادگاه بی‌طرف، مستقل و صاحب‌صلاحیتی بتواند با مراجعه به معیارهای عینی، ملموس، قابل‌اندازه‌گیری و اثبات‌پذیر، به‌راحتی وقوع یا عدم وقوع شرایط تحریم و آثار حقوقی مترتب بر آن را تشخیص داده و به‌گون‌های منصفانه و مبتنی بر عدالت، به حل اختلاف بپردازد.

چهارمین راهکار اساسی و حیاتی، توجه ویژه، جدی و همه‌جانبه به قوانین

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir
Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477
ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

داخلی مرتبط با تحریم‌ها، به‌ویژه قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی و مقررات ابلاغی شورای عالی امنیت ملی، و تعیین تکلیف روشن، شفاف و غیرقابل‌چالش در خصوص تعارض قوانین در قراردادهای فرامرزی و بین‌المللی است. همان‌گونه که در بخش‌های پیشین این نوشتار به‌تفصیل مورد اشاره قرار گرفت، قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران مصوب ۱۳۹۹، قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات بعدی، و قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی، هر یک به‌نوبه خود، چارچوب‌های قانونی خاص، سختگیرانه و بعضاً همه‌جانبه‌ای را برای مواجهه با تحریم‌ها، ممنوعیت‌های ناشی از آن و تکالیف اشخاص حقیقی و حقوقی ایرانی در قبال تحریم‌های خارجی ترسیم نموده‌اند و در موارد متعددی، انجام معاملات با اشخاص، نهادها، کشورهای خاص یا در زمینه کالاها و خدمات تحریمی را به‌عنوان جرم انگاشته و برای آن، مجازات‌های سنگین مالی، انتظامی و کیفری پیش‌بینی کرده‌اند که شامل جریمه‌های نقدی

کلان، محرومیت از فعالیت اقتصادی، ممنوعیت خروج از کشور و حتی حبس می‌شود (بشیری، ۱۴۰۱، ۲۲). از سوی دیگر، تحریم‌های یک‌جانبه و فراسرزمینی ایالات متحده آمریکا که از طریق نهادهایی نظیر دفتر کنترل دارایی‌های خارجی (OFAC) اعمال می‌گردد، و همچنین تحریم‌های اتحادیه اروپا، ممکن است دامنه شمول خود را به اشخاص حقیقی و حقوقی، معاملات، نقل‌وانتقالات مالی و حتی ارائه خدمات جانبی خارج از قلمرو سرزمینی این کشورها تسری دهند و بدین ترتیب، حق‌العمل‌کار ایرانی یا خارجی را در شرایطی پیچیده، دشوار و پرخطر قرار دهند که اجرای دستورات آمر، همزمان با نقض قوانین داخلی ایران از یک سو و قوانین تحریمی کشور ثالث (که ممکن است آمر یا طرف معامله تحت تابعیت آن باشند) از سوی دیگر، همراه باشد. دادگاه عالی سنگاپور در پرونده کوورا ریسورسز، بر این نکته مهم تأکید داشته است که صرف وجود تحریم به‌تنهایی برای معافیت از اجرای تعهدات قراردادی کافی نیست و طرفی که ادعای معافیت یا تعلیق دارد، باید به‌گونه‌ای مستدل، مستند و قابل‌قبول اثبات نماید که تحریم‌های مذکور، به‌طور عینی، ملموس و غیرقابل‌اجتناب، مانع اجرای تعهدات وی گردیده است و صرف اعلام یا وجود تحریم‌ها بدون اثبات تأثیر عینی آنها، نمی‌تواند موجد حق معافیت یا تعلیق باشد. برای مدیریت این تعارض پیچیده، چندلایه و مستعد بروز اختلافات جدی، اکیداً توصیه می‌شود که در قرارداد، «قانون حاکم بر قرارداد» و «مرجع صالح و بی‌طرف برای حل اختلاف» به‌گونه‌ای انتخاب شوند که کمترین تعارض و تنش را با قوانین تحریمی داشته باشند و در صورت بروز تعارض غیرقابل‌حل و اجتناب‌ناپذیر، شروطی مبنی بر اولویت قوانین داخلی کشور متبوع طرفین یا معافیت از مسئولیت در صورت تبعیت از قوانین اجباری، الزام‌آور و غیرقابل‌اجتناب، پیش‌بینی و درج گردد (International Chamber of Commerce, ۲۰۲۰, Clause ۴). همچنین، گنجاندن شرط صریح، روشن و غیرقابل‌تأویل مبنی بر «تعهد طرفین به تلاش حداکثری، جدی و مستمر برای کسب مجوزهای لازم و معافیت‌های موردنیاز از مراجع ذی‌صلاح تحریمی داخلی و خارجی»، می‌تواند به‌عنوان راهکاری عملی، عقلایی، مبتنی بر حسن‌نیت و همکاری متقابل برای رفع موانع تحریمی و تسهیل اجرای قرارداد، ایفای نقش نماید و از سوی دیگر، در صورت عدم موفقیت در کسب مجوزها، مبنایی برای اثبات تلاش طرفین و عدم تقصیر آنان فراهم آورد.

پنجمین و آخرین راهکار، پیش‌بینی سازوکارهای جایگزین، انعطاف‌پذیر و عملی برای اجرای مأموریت در شرایط تحریم است که می‌تواند نقش کلیدی در حفظ قرارداد و تداوم منافع اقتصادی طرفین ایفا نماید. این سازوکارها می‌توانند شامل تغییر مسیر حمل‌ونقل، استفاده از واسطه‌های مالی ثالث مجاز و مورد تأیید، تغییر ارز معامله به ارزهای قابل‌دسترس‌تر، استفاده از سیستم‌های پرداخت جایگزین و غیرتحریمی، تغییر کشور یا بندر محل اجرای معامله، تغییر روش تأمین مالی، و حتی تغییر کالاهای موضوع معامله در حدود متعارف و با رعایت مصلحت آمر باشند (Chong, ۲۰۲۴, p. ۲۸). با این حال، رویه قضایی اخیر در نظام حقوقی انگلستان که یکی از معتبرترین نظام‌های حقوقی در حوزه تجارت بین‌الملل است، رویکردی محدودکننده، سختگیرانه و محافظه‌کارانه در پذیرش روش‌های

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir
Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477
ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

جایگزین اتخاذ کرده است که می‌تواند برای فعالان اقتصادی و حقوقدانان ایرانی حاوی پیام‌های مهم و هشدارهای جدی باشد. دیوان عالی انگلستان در پرونده مهم، تأثیرگذار و بسیار جدید «شرکت کشتیرانی آرتی‌آی علیه شرکت کشتیرانی مور» که در تاریخ ۱۵ مه ۲۰۲۴ میلادی رأی نهایی خود را صادر نمود، به‌طور قاطع و روشن رأی داده است که شرط «تلاش معقول» در بند حادثه غیرمترقبه و قوه قاهره، به‌خودی‌خود و بدون تصریح صریح و روشن، الزام‌آور بودن پذیرش روش اجرایی غیرمقرر و متفاوت از آنچه در قرارداد تصریح شده است (نظیر پرداخت به ارزی غیر از ارز توافق‌شده در قرارداد) را به‌دنبال ندارد و طرف متعهد می‌تواند بر اجرای دقیق، کامل و مطابق با مفاد صریح قرارداد اصرار ورزد، حتی اگر پذیرش روش جایگزین از نظر تجاری معقول، منطقی و به‌صرفه باشد. این رأی تاریخی و تأثیرگذار، بر اهمیت حیاتی تصریح صریح، روشن، غیرقابل‌ابهام و جامع در قراردادهای تجاری تأکید داشته و اعلام داشته است که برای الزام طرف به پذیرش روش اجرایی غیرمقرر و خارج از چارچوب مندرج در قرارداد، نیاز به عبارات صریح، روشن و قوی است که قصد واقعی و جدی طرفین را در خصوص پذیرش روش‌های جایگزین در شرایط اضطراری آشکار سازد و صرف وجود عبارات کلی مانند «تلاش معقول» یا «اقدامات متعارف» نمی‌تواند چنین الزامی را ایجاد نماید.

بنابراین، در قرارداد حق‌العمل‌کاری، می‌توان با درج شرط «اختیار تعدیل روش اجرا» به‌صورت صریح، روشن، جامع و با ذکر مصادیق عینی و قابل‌تشخیص، به حق‌العمل‌کار اجازه داد تا در صورت بروز تحریم‌های اقتصادی، با رعایت مصلحت آمر، حفظ حدود کلی اذن، رعایت قوانین و مقررات مربوطه و با اطلاع‌رسانی به‌موقع، از روش‌های جایگزین متعارف، معقول و مبتنی بر عرف تجاری استفاده نماید تا بتواند تا حد امکان، مأموریت محوله را به‌انجام رسانده و از تحمیل خسارت به طرفین جلوگیری نماید. با این حال، باید توجه داشت که این اختیار و انعطاف‌پذیری، هرگز نباید به‌گونه‌ای باشد که حق‌العمل‌کار را از تکالیف اساسی خود نظیر اطلاع‌رسانی به‌موقع، شفاف و مستمر به آمر در خصوص موانع پیش‌آمده، مشورت با وی در خصوص روش‌های جایگزین، اخذ دستورات مقتضی و متناسب با شرایط، و ارائه گزارش‌های منظم و دقیق از اقدامات انجام‌شده و هزینه‌های متحمل‌شده، معاف سازد؛ بلکه برعکس، در شرایط تحریم که ابهامات و ریسک‌ها به‌مراتب بیشتر از شرایط عادی است، رعایت این تکالیف اطلاع‌رسانی و شفاف‌سازی از اهمیت مضاعف و حیاتی برخوردار می‌شود و هرگونه قصور یا تأخیر در این زمینه، می‌تواند موجبات مسئولیت حق‌العمل‌کار را فراهم آورد. در نهایت، ترکیب هوشمندانه، نظام‌مند و متناسب این راهکارهای پنج‌گانه با رویکردی جامع، آینده‌نگر و مبتنی بر تحلیل دقیق ریسک‌ها، می‌تواند بستری امن‌تر، مطمئن‌تر و قابل‌پیش‌بینی‌تر برای انعقاد و اجرای قراردادهای حق‌العمل‌کاری در شرایط تحریم فراهم آورد و از تضییع حقوق طرفین، بروز اختلافات پرهزینه، زمان‌بر و مخرب، و از بین رفتن منافع اقتصادی مورد انتظار، تا حد قابل‌قبولی جلوگیری نماید و به پایداری و تداوم روابط تجاری در شرایط بحرانی کمک شایانی نماید.

نتیجه گیری

تحریم‌های اقتصادی به‌عنوان عوامل برون‌زا می‌توانند قرارداد حق‌العمل‌کاری را در سه سطح اساسی تحت تأثیر قرار دهند: امکان اجرای اذن و حدود اختیار حق‌العمل‌کار، استحقاق وی نسبت به اجرت و مسئولیت قراردادی طرفین. آثار تحریم در هر یک از این سطوح تابع نوع، شدت، دامنه و آثار حقوقی محدودیت تحریمی و نیز مفاد قرارداد است. ازاین‌رو، صرف وقوع تحریم را نمی‌توان به‌منزله زوال اذن، سقوط تعهدات یا عدم استحقاق حق‌العمل‌کار نسبت به اجرت تلقی کرد. ملاک اساسی، احراز این امر است که تحریم تا چه اندازه اجرای مأموریت را ممنوع، غیرممکن یا صرفاً دشوار و پرهزینه ساخته است.نوآوری اصلی پژوهش در ارائه چارچوبی پنج‌گانه برای مدیریت آثار تحریم در قراردادهای حق‌العمل‌کاری است. این چارچوب شامل درج شروط صریح و جامع تحریم، تفکیک تعذر اجرا از دشواری شدید اجرا، تعیین معیارهای روشن استحقاق اجرت، پیش‌بینی آثار تعارض قوانین و مقررات آمره، و طراحی سازوکارهای جایگزین برای اجرای مأموریت است. بر مبنای این چارچوب،

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir

Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477

ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

اذن موجود در قرارداد حق‌العمل‌کاری دارای وضعیتی ثابت و یکسان در برابر تحریم نیست؛ بلکه با توجه به دامنه محدودیت ممکن است اجرای آن استمرار یابد، موقتاً متوقف شود یا در محدوده‌ای خاص قابلیت اجرا نداشته باشد. بنابراین، زوال اذن تنها یکی از وضعیت‌های احتمالی و نه اثر خودکار تحریم محسوب می‌شود.در خصوص استحقاق اجرت نیز یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تحریم نمی‌تواند به‌تنهایی مبنای نفی یا اثبات اجرت قرار گیرد. تحقق معامله، میزان اقدامات انجام‌شده توسط حق‌العمل‌کار، حدود مأموریت، مفاد قرارداد و علت عدم تکمیل معامله باید به‌صورت توأمان مورد ارزیابی قرار گیرد. در صورتی که معامله مطابق مأموریت انجام شده باشد، اصل بر استحقاق اجرت قراردادی است؛ اما در فرض عدم تحقق معامله، وضعیت اجرت تابع مبنای قراردادی و قانونی آن خواهد بود. در مواردی که حق‌العمل‌کار بخشی از مأموریت را انجام داده ولی ادامه عملیات در نتیجه یک مانع تحریمی متوقف شده است، تعیین حق مالی وی نیازمند بررسی دقیق رابطه میان اقدامات انجام‌شده و شرایط مقرر برای استحقاق اجرت است و نمی‌توان صرفاً بر مبنای وقوع تحریم، حکم واحدی صادر کرد.

از سوی دیگر، تفکیک میان تعذر اجرا و دشواری اجرا از مهم‌ترین نتایج پژوهش است. هرگاه تحریم اجرای مأموریت را قانوناً ممنوع یا عملاً ناممکن سازد، مسئله در قلمرو تعذر اجرای تعهد و آثار آن قرار می‌گیرد؛ در مقابل، افزایش هزینه، طولانی شدن فرایند معامله یا دشوار شدن دسترسی به شیوه‌های متعارف پرداخت، لزوماً به معنای عدم امکان اجرا نیست. بنابراین، توسعه مفهوم فورس‌ماژور به هر نوع دشواری ناشی از تحریم، فاقد مبنای کافی است. در قراردادهای بین‌المللی، تعیین دقیق مصادیق تحریم و آثار آنها اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا تفسیر شرط تحریم در نهایت تابع متن قرارداد، قانون حاکم و شرایط موردی اجرای تعهد خواهد بود.بررسی رویکردهای معاصر در حقوق تجارت بین‌المللی نیز ضرورت تعیین صریح آثار تحریم و روش‌های جایگزین اجرا را تقویت می‌کند. در این چارچوب، صرف درج عباراتی کلی مانند «تلاش معقول» یا «اقدامات متعارف» برای تعیین تکلیف طرفین در شرایط تحریمی کافی نیست و بهتر است قرارداد مشخص کند که در صورت بروز محدودیت، آیا استفاده از بانک، ارز، مسیر پرداخت، حمل‌ونقل یا طرف معامله جایگزین الزامی است یا خیر. چنین تصریحی، به‌ویژه در قراردادهای فرامرزی، از اختلاف درباره دامنه تعهدات ثانویه و حدود تلاش متعارف جلوگیری می‌کند.در حقوق ایران نیز تحلیل آثار تحریم باید در چارچوب قانون تجارت، قانون مدنی و مقررات آمره مرتبط با معاملات و محدودیت‌های اقتصادی صورت گیرد. مواد مربوط به حق‌العمل‌کاری در قانون تجارت، قواعد عمومی قراردادها و مسئولیت قراردادی در قانون مدنی و مقررات خاص مرتبط با تحریم و فعالیت‌های اقتصادی، در کنار یکدیگر چارچوب حقوقی مسئله را تشکیل می‌دهند. در این میان، استناد به مفاهیمی مانند دشواری اجرا یا عسر و حرج باید با احتیاط صورت گیرد و میان مواردی که قانون یا قرارداد اثر مشخصی برای حادثه پیش‌بینی کرده است و مواردی که صرفاً افزایش هزینه اقتصادی رخ داده، تفکیک شود.

بر این اساس، مناسب‌ترین راهکار برای قراردادهای حق‌العمل‌کاری در شرایط تحریمی، طراحی شرط تحریم چندسطحی است؛ به‌گونه‌ای که برای ممنوعیت قانونی معامله، عدم امکان انتقال وجه، محدودیت موقت، افزایش شدید هزینه و امکان استفاده از روش جایگزین، آثار متفاوتی تعیین شود. در کنار آن، باید تکلیف اطلاع‌رسانی، توقف یا ادامه مأموریت، هزینه‌های انجام‌شده، اجرت، اقدامات جایگزین و مسئولیت هر یک از طرفین به‌صورت روشن مشخص گردد.در نهایت، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که مهم‌ترین خلأ موجود، فقدان یک چارچوب منسجم برای تعیین آثار تحریم بر اذن، اجرای مأموریت و اجرت حق‌العمل‌کار است. ازاین‌رو، تدوین شروط قراردادی تخصصی و در بلندمدت، توسعه قواعد حقوقی ناظر بر آثار تحریم در قراردادهای تجاری، می‌تواند قابلیت پیش‌بینی روابط قراردادی را افزایش دهد. چنین رویکردی ضمن جلوگیری از یکسان‌انگاری تحریم با فورس‌ماژور، امکان تفکیک دقیق میان زوال اذن، توقف موقت اجرا، دشواری اجرای مأموریت و استمرار قرارداد را فراهم می‌سازد و زمینه متعادل‌تری برای حمایت هم‌زمان از منافع آمر و حق‌العمل‌کار ایجاد می‌کند.

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir

Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477

ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

Journal of
Modern Jurisprudence and Law
Homepage: http://www.jaml.ir

Print ISSN: 2717-1469 | Online ISSN: 2717-1477

ISC | SID | NOORMAGS | MAGIRAN | Google Scholar

منابع

. اسکینی، ربیعا، و بهنام‌فرید، دل‌افروز. (۱۳۹۰). ساختار و ماهیت حقوقی حق‌العمل‌کاری. مجله حقوقی دادگستری، ۷۵(۷۳)، ۱۷۳–۲۰۰. https://doi.org/۱۰.۲۲۱۰۶/jlj.۲۰۱۱.۱۱۰۹

۲. بشیری، محبوبه. (۱۴۰۱). نقش و آثار تحریم‌های اقتصادی در قراردادهای تجاری بین‌المللی. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۴(۱).

۳. حاجیانی، هادی. (۱۳۸۶). حقوق نمایندگی. تهران: دانش‌نگار.

۴. شهیدی، مهدی. (۱۳۸۳). حقوق مدنی: تشکیل قراردادها و تعهدات (جلد اول). تهران: مجد.

۵. ره‌پیک، حسن. (۱۳۸۷). حقوق مدنی: عقود معین (جلد اول). تهران: خرسندی.

۶. شهبازی، محمدحسین. (۱۳۷۵). مبانی لزوم و جواز اعمال حقوقی. تهران: مؤسسه مطالعات حقوقی دادآفرین

۷. ستوده تهرانی، حسن. (۱۳۸۰). حقوق تجارت (جلد چهارم). تهران: دادگستر.

۸. حسنی، حسن. (۱۳۸۵). حقوق تجارت. تهران: میزان.

۹. دمیرچیلی، محمد، حاتمی، علی، و قرائی، محسن. (۱۳۸۶). قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی. تهران: میثاق عدالت.

۱۰. سماواتی، حشمت‌الله. (۱۳۷۸). حقوق تجارت (جلد اول). تهران: میزان.

منابع لاتین

۱۱-Brunner, C. (۲۰۰۹). Force majeure and hardship under general contract principles: Exemption for non-performance in international commercial contracts. Kluwer Law International.

۱۲-International Chamber of Commerce. (۲۰۲۰). ICC force majeure and hardship clauses. ICC.

۱۳-UNIDROIT. (۲۰۱۶). UNIDROIT principles of international commercial contracts ۲۰۱۶. International Institute for the Unification of Private Law.

۱۴-Chong, S. (۲۰۲۴). Sanctions: Between a Rock and a Hard Place. Centre for Maritime Law, National University of Singapore.

۱۵-International Bar Association. (۲۰۲۴). Sanctions and commercial arbitration: The impact of the invasion of Ukraine on questions of jurisdiction and merits. IBA.

۱۶- Zakharov, G., Tarkhova, K., & Belova, A. (۲۰۲۴). Sanctions clauses in international contracts with a Russian nexus. International Bar Association.

۱۷-U.S. Department of Justice, U.S. Department of Commerce, & U.S. Department of the Treasury. (۲۰۲۴). Compliance note: Obligations of foreign-based persons to comply with U.S. sanctions and export control laws.

۱۸-International Bar Association. (۲۰۲۴). RTI Shipping Ltd v MUR Shipping BV: Force majeure and international sanctions. IBA.

قوانین و مقررات

۱۹. قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱، مواد ۳۵۷ تا ۳۷۶

۲۰. قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷

۲۱. قانون اقدام راهبردی برای لغو تحریم‌ها و صیانت از منافع ملت ایران مصوب ۱۳۹۹.

۲۲. قانون مجازات اخلالگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۳۶۹ با اصلاحات بعدی.

۲۳. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ با اصلاحات بعدی.